

آیا حضرت خدیجه (س) قبل از پیامبر(ص) با فرد دیگری ازدواج کرده بود؟

سؤال کننده: مصطفی

پاسخ:

خدیجه برترین همسر

حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها، برترین همسر رسول خدا صلی الله علیه وآله و یکی از چهار زن برتر بهشتی است. او نخستین کسی است که به رسول خدا ایمان آورد و تمام اموال و دارائی‌های خود را در راه پیشرفت اسلام هدیه کرد. در باره مقام آن حضرت همین بس که خداوند به او سلام فرستاده و وعده قصری بهشتی به او داده است. علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در این باره می‌نویسد:

عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُمَرَّانَ وَ مُمَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَ أَبُو سَعِيدٍ الْفُدْرِيُّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ إِنَّ جِبْرَائِيلَ (عليه السلام) قَالَ لِي لَيْلَةَ أُسْرِي بِي مِثْنِ رَجَعْتُ وَقُلْتُ يَا جِبْرَائِيلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ قَالَ مَا هِيَ أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ فَدِيمَةً مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ وَمَدَّتْنَا عِنْدَ ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ مِثْنِ لَقَّاهَا نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ لَهَا الَّذِي قَالَ جِبْرَائِيلُ فَقَالَتْ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلَ السَّلَامُ.

امام باقر علیه السلام از ابوسعید فدری نقل می‌کند: رسول خدا فرمود: در شب معراج وقتی که باز می‌گشتم به جبرئیل گفتم: آیا فواسته ای از من داری؟ گفت: در فواسته من این است که سلام خدا و مرا به فدیمه برسانی، رسول خدا وقتی که پیام جبرئیل را به فدیمه ابلاغ فرمود، در پاسخ گفت: فدای بزرگ مصدر سلامتی است و همه سلامتیها از او است و تمام سلامتیها به او باز می‌گردد، و بر جبرئیل درود و سلام.

المجلسی، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار، ج 16، ص 7، باب 5 - تزوجه ص بخدیجه رضی الله عنها، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسه الوفاء - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403 - 1983 م.

محمد بن اسماعیل بخاری می‌نویسد:

3609 مَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ مَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فُضَيْلٍ عَنْ عُمَارَةَ عَنْ أَبِي زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَتَى جِبْرِيْلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ فَدِيحَةٌ قَدْ أَتَتْ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ

فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمِنِّي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَمَبٍ لَأَصْنَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ.

جبرئیل خدمت رسول خدا آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! این خدیجه است که آمده و ظرفی با خود دارد که در آن، گوشت یا غذا یا نوشیدنی است (شک از راوی است)؛ پس چون نزد تو آمد، از جانب پروردگارش و نیز از سوی من به او سلام برسان و او را به خانه‌ای در بهشت از درّ و یاقوت و طلا که از هر هیاهو و رنجی ایمن است بشارت بده.

بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل ابوعبدالله (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 3 ص 1389 و ج 6 ص 2723، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

خدیجه، یکی از بهترین زنان بهشتی

محمد بن اسماعیل بخاری در روایت دیگری نقل می‌کند که حضرت خدیجه سلام الله علیها و حضرت مریم سلام الله علیها برترین زنان بهشتی هستند:

3249 حدثني أُمِّدُ بْنُ أَبِي رَبِيعٍ حَدَّثَنَا النَّضْرُ عَنْ هِشَامٍ قَالَ أَقْبَرُنِي أَبِي قَالَ سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُ

عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فَيُرِ نِسَائُهَا مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَفَيْرُ نِسَائُهَا خَدِيجَةُ.

عبد الله بن جعفر از علی (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: بهترین بانوان بهشت مریم دختر عمران و خدیجه است.

بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل ابوعبدالله (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 3 ص 3248، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

آری، موقعیت حضرت خدیجه را هیچ یک از همسران رسول خدا نداشتند؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه وآله همواره به یاد خدیجه بود و از او به نیکی یاد می‌کرد، همین مسأله سبب شده بود که حسادت‌های زنانه برخی از همسران آن حضرت برانگیخته شده و به رسول خدا اعتراض نمایند که چرا این همه از خدیجه یاد می‌کند.

اعتراف عائشه به برتری حضرت خدیجه:

بخاری به نقل از عائشه می‌نویسد:

3605 حدثنا سَعِيدُ بْنُ عَفِيرٍ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ قَالَ كَتَبَ إِلَى هِشَامٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ مَا غَرَّتْ عَلِيَّ

امْرَأَةً لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا غَرَّتْ عَلِيَّ خَدِيجَةَ هَلَكَتْ قَبْلَ أَنْ يَدْرَوْجِبَنِي لِمَا كُنْتُ أَسْمَعُهُ يَذْكُرُهَا وَأَمْرَهُ اللَّهُ أَنْ

يُبَشِّرَهَا بِبَيْتٍ مِنْ قَمَبٍ وَإِنْ كَانَ لَيَذْبَعُ الشَّاةَ فَيُهْدِي فِي فَلَانِهَا مِنْهَا مَا يَسَعُهُنَّ.

عایشه می گوید: بر هیچ زنی آن قدر مسد نورزیدم که بر فدیمه مسد ورزیدم، او را درک نکردم و قبل از ازدواج من با رسول خدا از دنیا رفته بود، ولی مسد به این سبب بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را بیشتر یاد می کرد و خداوند او را به خانه ای بهشتی از طلا و درّ و یاقوت بشارت داده بود و هر گاه گوسفندی را ذبح می نمود برای دوستان فدیمه هدیه می فرستاد.

البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل ابوعبدالله (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 3 ص 1388، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

در روایت دیگر نقل می کند:

3610 وقال إسماعيل بن فليل أفرنا علي بن مسهر عن هشام عن أبيه عن عائشة رضي الله عنها قالت استأذنت هالة بنت فويلد أمت فديمة على رسول الله صلى الله عليه وسلم فعرف استئذان فديمة فارتاع لذلك فقال اللهم هالة قالت فخرت فقلت ما تذكر من عبوز من عبائر قریش ممرأ الشدقين هلكت في الدهر قد أبدلك الله فيرا منها

عائشه می گوید: هاله خواهر فدیمه اجازه شرفیابی به مضر رسول خدا را گرفت، رسول خدا بیاد فدیمه افتاد و بر افروخته شد، فرمود: فدایا هاله آمده است، من نارامت شدم و گفتم: چقدر از پیر زنی از پیر زنان قریش که دندانهایش افتاده بود یاد می کند، او مرده است و خدا بهتر از او را به تو داده است.

البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل ابوعبدالله (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 3 ص 1389، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.

احمد بن حنبل به نقل از عائشه می نویسد:

24908 حدثنا عبد الله مدني أبي ثنا علي بن إسماعق أنا عبد الله قال أنا مبالد عن الشعبي عن مسروق عن عائشة قالت كان النبي صلى الله عليه وسلم إذا ذكر فديمة أثنى عليها فأمسن التاء قالت فخرت يوماً فقلت ما أكثر ما تذكرها ممرأ الشدق قد أبدلك الله عز وجل بها فيرا منها قال ما أبدلني الله عز وجل فيرا منها قد آمنت بي إذ كفر بي الناس وصدقتني إذ كذبنى الناس وواستني بما لها إذا مرمني الناس ورزقني الله عز وجل وكدها إذ مرمني أولاد النساء

هر گاه رسول خدا یاد از فدیمه می کرد بهترین ستایشها را از وی می کرد، یک روز نارامت شدم و گفتم: چقدر از یک زن بی دندان یاد می کنی خدا بهتر از او را به تو داده است؟ فرمود: خداوند بهتر از او نصیبم نفرموده است، وقتی که همه مردم از من رویگردان بودند او به من ایمان آورد، و تصدیقم کرد وقتی که دیگران مرا تکذیب کردند، مال و

ثروتش را در اختیارم گذاشت وقتی که دیگران ممروم کردند، خداوند از او به من فرزندی داد وقتی که از دیگر زنان ممروم بودم.

الشیبانی، أحمد بن حنبل ابو عبدالله (متوفای 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 6 ص 117، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر؛

الذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفای 748هـ)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج 1 ص 238، تحقیق د. عمر عبد السلام تدمری، ناشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت، الطبعة: الأولى، 1407هـ - 1987م.

هیثمی بعد از نقل این روایت می گوید:

رواه أحمد وإسناده حسن.

الهیثمی، ابوالحسن علی بن أبی بکر (متوفای 807 هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج 9 ص 224، ناشر: دار الریان للتراث / دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407هـ.

برای تحقیق بیشتر در باره حسادت‌های عائشه به آدرس ذیل مراجعه کنید:

<http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=question&id=8526>

بنابراین در مقام و منزلت حضرت خدیجه سلام الله علیها جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند؛ اما از آن جایی که اهل سنت دوست دارند عائشه را برترین همسر رسول خدا معرفی نمایند، و لذا سعی در فضیلت‌تراشی برای او دارند و تنها چیزی که یافته‌اند، این بود که مدعی شدند عائشه تنها همسر باکره رسول خدا بوده و دیگر همسران رسول خدا از جمله عائشه قبل از آن حضرت همسر داشته‌اند؛ در حالی که این مطلب با واقعیت‌های تاریخی سازگاری ندارد، زیرا بر اساس نقل، عائشه هم قبل از رسول خدا همسر دیگری داشته است.

آیا عائشه قبل از رسول خدا (ص) ازدواج کرده بود؟

ابن سعد در الطبقات الکبری می نویسد:

عن عبد الله بن أبی ملکة قال فطب رسول الله صلى الله عليه وسلم عائشة بنت أبی بکر الصديق فقال إنی كنت أعطيتها مطعما لابنه جبير فدعنى متى أسلها منهم فاستسلها منهم فطلقها فتزويها رسول الله صلى الله عليه وسلم.

عبد الله بن أبی ملکة می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وسلم از عائشه دختر ابوبکر خواستگاری کرد، ابو بکر گفت: من عائشه را به جبير بن مطعم داده‌ام، اجازه بده تا آن‌ها را منصرف کنم. ابوبکر آن‌ها را منصرف کرد و

طلاقش را گرفت، سپس رسول خدا با او ازدواج کرد.

الزهري، محمد بن سعد بن منيع ابو عبدالله البصرى (متوفای 230هـ)، الطبقات الکبری، ج 8 ص 59، ناشر: دار صادر - بیروت؛

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای 852هـ)، الإصابة فی تمييز الصحابة، ج 8 ص 17، تحقیق: علی محمد البجاوی، ناشر: دار الجیل - بیروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ - 1992م.

بنابراین، عائشه نیز قبل از رسول خدا صلی الله علیه وآله همسر شخص دیگری به نام جبر بن مطعم بوده است.

آیا حضرت خدیجه ثیبه (غیر باکره) بود؟

بحث اصلی ما در این باره است که آیا حضرت خدیجه سلام الله علیها قبل از رسول خدا ازدواج کرده بود یا خیر؟

پاسخ این سؤال در آثار و کتب بزرگان و اندیشمندان شیعی به فراوانی وجود دارد که با احترام به همه بزرگان و رعایت اختصار به بخشی از پاسخ و توضیح اکتفا و اشاره می کنیم:

برخی گفته اند: رسول خدا همسر باکره ای غیر از عائشه نداشته است و در باره خدیجه گفته اند: وی قبل از رسول خدا با دو نفر به نامهای عتیق بن عبد الله مخزومی و ابوهاله تمیمی ازدواج کرده بود و فرزندان از آنان نیز داشته است.

این سخن به اعتقاد برخی از بزرگان شیعه قابل قبول نیست؛ زیرا بخش زیادی از این قبیل سخنان را طراحان سیاست با هدف زدودن هاله قداست و پاکی از رحم بانویی که ظرف وجود کوثر قرآن، فاطمه زهرا است ساخته اند و لذا دقت در این موضوع و نقد سخنان موجود در منابع تاریخی و حدیثی شک و شبهه را از بین می برد.

ابو القاسم اسماعیل بن محمد اصفهانی از دانشمندان اهل سنت تصریح می کند که حضرت خدیجه سلام الله علیها، باکره بوده است.

وكانت فديمة امرأة باكرة ذات شرفٍ ومالٍ كثيرٍ وتجارةٍ تبعتُ بها إلى الشام فتكون عيرها كعامه عير قريش.

حضرت فدیجه، زنی باکره، دارای اعتبار و مال بسیاری بود، کاروان تجاری اش را به سوی شام می فرستاد و کاروان او به

اندازه تمام کاروان قریش بود.

الأصبهانی، أبو القاسم اسماعیل بن محمد بن الفضل التیمی (متوفای 535هـ)، دلائل النبوة، ج 1، ص 178، تحقیق: محمد محمد الحداد، ناشر: دار طيبة - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409هـ.

ابوالقاسم کوفی از علمای شیعه، در این باره استدلال جالبی کرده است که توجه خوانندگان عزیز را به آن جلب می کنیم. وی در کتاب الإستغاثه می نویسد:

أن الإجماع من الفاص والعاصم من أهل الأناطل ونقله الأفتبار علی أنه لم یبق من أشراف قريش ومن ساداتهم وذوی النجدة منهم إلا من فطبت فديمة وراهم تزويجها فامتنت علی جميعهم من ذلك فلما تزوجها رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم غضب علیها نساء قريش وهجرنها وقلن لها فطبتك أشراف قريش وأمرأهم فلم تتزوی أمدا منهم وتزوجت مممدا یتیم أبی طالب فقیرا لا مال له، فكيف يجوز فی نظر أهل الفهم أن تكون فديمة يتزوجها أعرابی من

تميم وتمتنع من سادات قريش وأشرافها على ما وصفناه، ألا يعلم ذو التميز والنظر أنه من أبين الممال وأفضع المقال، ولما وجب هذا عند ذوى التتمصيل ثبت أن فديمة لم تتزوج غير رسول الله (ص).

مورفان و ممدتان شيعه و سنی بر این مطلب اتفاق دارند که کسی از بزرگان، اشراف، رؤسا و جوانمردان قريش باقی نماند؛ مگر این که از مضرت فديمه فواستگاری کرد و ازدواج با ایشان را دوست آرزو می‌کرد؛ اما فديمه کبری دست رد بر سینه همه آن‌ها زد؛ ولی وقتی رسول خدا صلی الله علیه وآله با او ازدواج کرد، تمام زنان قريش از او فاصله گرفته و رفت و آمد با وی را ترک کردند و گفتند: تو پیشنهاد سران قريش را رد کردی و تن به همسری کسی دادی که فقیر است و مال و ثروتی ندارد؟!

با این حال چگونه اهل فهم می‌توانند بپذیرند که مضرت فديمه با یک اعرابی از قبیله بنی تميم ازدواج کرده باشد؛ اما فواستگاری بزرگان قريش را نپذیرفته باشد؟

آیا صامبان فکر و اندیشه نمی‌دانند که این مطلب از آشکارترین ممالات و ناپسندترین گفتارها است، وقتی برای اهل تمقیق این مطلب ثابت شود، ثابت می‌شود که مضرت فديمه با کسی غیر از رسول خدا صلی الله علیه وآله ازدواج نکرده است.

الكوفي، أبو القاسم علی بن أحمد بن موسى ابن الإمام الجواد محمد بن علی (متوفای 352هـ)، كتاب الاستنائة، ج 1، ص 70، طبق برنامه مکتبه اهل البيت عليهم السلام.

و نیز می‌توان این سؤال را از اهل تحقیق پرسید که اگر خديجه قبل از ازدواج با رسول خدا با یک نفر اعرابی از قبیله تميم ازدواج کرده بود، آیا موردی برای این سرزنش‌ها پس از ازدواج با رسول خدا باقی می‌ماند؟ و آیا ازدواج زنی بیوه و شوهر دیده به این اندازه برای تمام مردم مکه مهم بود که بر اساس همین نقل تمام همسران اشراف قريش با وی قطع رابطه کنند؟

اگر خديجه شایسته ملامت و سرزنش بود پس چرا (در صورت صحت) هنگام ازدواج با یک نفر اعرابی که بر پاشنه پایش ادرار می‌کرد و از هیچ امتیازی بر خوردار نبود ملامت و سرزنش نشد؟

از این رو، ما مطمئن هستیم که قضیه ازدواج حضرت خديجه قبل از رسول خدا صلی الله علیه وآله از دسیسه‌های کسانی است که هیچ حد و مرزی را در فضیلت برای دشمنان اهل بیت عليهم السلام نمی‌شناختند و هیچ فضیلتی را برای اهل بیت عليهم السلام باقی نگذاشتند؛ مگر این که عین همان را برای دیگران ساختند.

پاسخ به برخی از سؤالات

سؤال اول: اگر حضرت خدیجه، همسری قبل از رسول خدا صلی الله علیه وآله نداشته است، زینب، رقیه و ام کلثوم، دختران چه کسی بودند؟ آیا فرزندان رسول خدا صلی الله علیه وآله بودند؟

طبق نقل مورخین، خدیجه خواهری بنام هاله داشته است که با مردی مخزومی ازدواج کرده بود و از وی فرزندی همانم مادرش یعنی هاله داشت سپس با مردی تمیمی بنام ابوهند ازدواج کرد که از وی نیز فرزندی بنام هند داشت، این مرد تمیمی همسر دیگری و از وی دو دختر به نامهای رقیه و زینب داشت، مادر این دو دختر از دنیا رفت و پس از وی پدر دو دختر از دنیا رفت، هند فرزند هاله به خانواده شوهرش سپرده شد و هاله با این دو دختر که از همسر دیگر شوهرش بودند به خانه خدیجه آمدند و وی سرپرستی آنان را به عهده گرفت و پس از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه وآله این دو دختر نزد خدیجه و رسول خدا بودند و در دامن این دو تربیت شدند و عنوان ربیبه رسول خدا را گرفتند و بر اساس رسم عرب ربیبه را مانند دختر تلقی می کردند و به همین جهت آنان را دختران خدیجه و رسول خدا می دانستند.

برای اطلاع بیشتر به آدرس ذیل مراجعه فرمایید:

<http://www.valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=question&id=469>

سؤال دوم: برخی ازدواج نکردن بانویی مانند خدیجه را که از دو ویژگی جمال و ثروت بهره مند بوده و علاوه بر آن به خانواده‌ای بزرگ و با امتیاز نسبت داشته را امری غیر ممکن دانسته اند. و گفته اند: آیا امکان دارد که پدر یا ولی بانویی مانند خدیجه وی را بدون همسر گذاشته و در تنهائی زندگی کند؟

در پاسخ می گوئیم:

اولاً: پدر خدیجه در جنگ فجار کشته شده بود.

ثانیاً: ولی و سرپرستی غیر از پدر اگر داشته است نمی توانسته است وی را مجبور به همسر گزینی نماید، و لذا منتظر ماندن بانویی مثل او تا همسری شایسته و در شان خودش آنهم در آن زمان امری معقول و قابل قبول است.

نتیجه بحث

در نتیجه اثبات فرزند یا فرزندی برای خدیجه از همسری غیر از رسول خدا نه تنها امری غیر ممکن؛ بلکه با توجه به نقل‌های تاریخی محال است؛ بنا بر این ازدواج خدیجه قبل از رسول گرامی اسلام از موضوعات ساختگی است و یا لاقبل بر اساس جهل و نادانی و تفسیر غلط از حوادث تاریخی رخ داده است که هر ناقد آگاهی را به این نتیجه می رساند.